

# اصول هفتگانه

## امام خمینی

### در بیانات رهبری



.....  
ما اگر بخواهیم شخصیت امام را به معنای واقعی کلمه پیدا کنیم، این راه دارد؛ اگر ما این راه را رفتیم، مطلب حل خواهد شد و الا امروز کسانی می آیند طبق میل خود و سلیقه‌ی خود یک جور امام را معرفی میکنند، ممکن است در فرداها کسان دیگری بیایند و بر طبق سلیقه‌ی دیگری، بر طبق حوادث دیگری که در دنیا پیش می‌آید، مصلحت بدانند که امام را جور دیگری معرفی کنند؛ این نمیشود. محبوبیت امام در بین مردم یک چیز ماندگار است؛ این را نتوانست دشمن از بین ببرد؛ برای همین، مسئله‌ی تحریف شخصیت امام نافذ در دل‌های

- محبوبیت امام در بین مردم یک چیز ماندگار است؛ این را نتوانست دشمن از بین ببرد؛  
- مسئله‌ی تحریف شخصیت امام خطر بزرگی محسوب میشود.

مردمان زیادی - در کشور و بیرون از کشور - خطر بزرگی محسوب میشود.

آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک

مبانی‌ای دارد؛ این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و

پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان

شده است؛ اصول امام را در این بیانات میشود پیدا کرد؛ این اصول را،

این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل

خواهد شد؛ شخصیت امام این است. نمی‌گوییم به هر مطلب فرعی توجه

کنید؛ زندگی امام مثل زندگی همه‌ی انسانهای دیگر فرازونشیب‌هایی

دارد؛ حوادثی در آن اتفاق افتاده است و هر حادثه‌ای اقتضائی داشته

است؛ مطالب اصولی را عرض میکنیم، آن چیزهایی که قابل انکار

نیست، جزو بیانات امام است، در طول سالهای متمادی، چه قبل از

تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران تشکیل حکومت اسلامی، چه در

دوران جنگ تحمیلی هشت‌ساله، چه قبل از آن و چه بعد از آن، این

اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است؛ این اصول را گزینشی هم نیابستی انتخاب کرد. اصول

امام ممکن است فقط اینها نباشد، صاحب‌نظران و افرادی که میتوانند و توانایی این کار را دارند،

بروند دنبال کنند، بیانات امام را نگاه کنند - بحمدالله تدوین شده است، موجود است، در اختیار همه

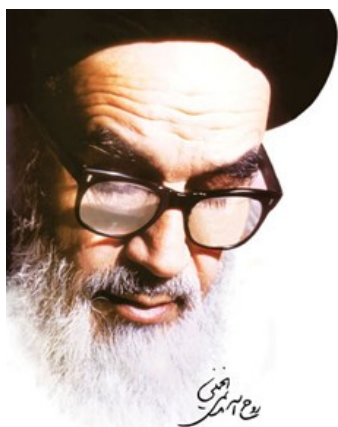
است - و این اصول را استخراج کنند. من امروز همه‌ی اصول قابل استخراج از بیانات امام را نمیتوانم

عرض بکنم، نمی‌خواهم گزینشی باشد، لذا می‌گوییم افراد بروند نگاه کنند، مواردی را پیدا کنند؛ اما

آنچه عرض میکنم جزو مسلماتِ منطق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام است.

مراسم بیست‌وششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله

۱۴/۰۳/۱۳۹۴



اول؛ اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است

اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. امام، اسلام ناب را در مقابل اسلام آمریکایی قرار داد.

اسلام آمریکایی چیست؟ اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همه‌ی زمانها - تا آنجایی که ما می‌شناسیم، ممکن است در آینده هم همین جور باشد - دو شاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر؛ لذا امام، آن کسانی را که تفکر سکولاری داشتند - یعنی دین را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسانها را، جدای از اسلام میخواستند - همواره در ردیف کسانی گذاشت که نگاه متحجرانه‌ی به دین داشتند؛ یعنی نگاه عقب‌افتاده‌ی غیر قابل فهم برای انسانهای نواندیش و متعصبانه‌ی بر روی مبانی غلط، تحجر؛ هردوی اینها را امام در کنار هم همواره ذکر کرده است. امروز که شما نگاه میکنید، می‌بینید هردو

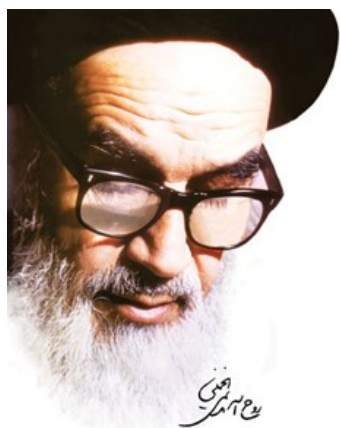
نمونه‌ی اسلام، در دنیای اسلام وجود دارد، هردو هم مورد حمایتِ قدرتهای قلدر دنیا و مورد حمایت آمریکا است. امروز، هم جریان منحرف داعش و القاعده و امثال اینها مورد حمایت آمریکا و اسرائیلند، هم بعضی از جریانهای به نام اسلام و بیگانه‌ی از عمل اسلامی و فقه اسلامی و شریعت اسلامی، مورد حمایت آمریکا است.

اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جافتاده و تکمیل‌شده‌ی در حوزه‌های علمی، استنباط میشود و به دست می‌آید. این جور نیست که روش استنباط مورد توجه نباشد و هرکسی بتواند قرآن را باز کند و اصول حرکت اجتماعی را استنباط بکند؛ نه، این یک متد دارد، این یک روش دارد؛ این روش علمی است، کارشده است، کسانی هستند که میتوانند این روش را دنبال کنند. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار این است. البته هرکسی هم که آن متد را بلد است، آن روش را بلد است، قادر نیست؛ باید فکر روشن داشته باشد، باید آشنا با زمان و مکان باشد، باید نیازهای بالفعل جوامع بشری و جوامع اسلامی را بشناسد، باید دشمن را بشناسد، نحوه‌ی دشمنی‌های او را بداند، آن وقت میتواند اسلام ناب را مشخص کند و بشناسد و بشناساند. اسلام آخوندهای درباری - که امام مکرر با همین تعبیر از آنها اسم می‌آوردند - اسلام داعشی؛ از آن طرف، اسلام بی‌تفاوت در مقابل جنایات

اسلام آمریکایی چیست؟  
دو شاخه بیشتر ندارد:  
یکی اسلام سکولار، یکی  
اسلام متحجر؛ هردو هم  
مورد حمایتِ قدرتهای  
قلدر دنیا و مورد حمایت  
آمریکا است.

صهیونیستی، در مقابل جنایات آمریکا، اسلام چشم‌دوخته‌ی به آمریکا و قدرتهای بزرگ و به اشاره‌ی آمریکا، اینها همه سر در یک آخور دارند؛ در یک جا اینها همه به هم میرسند؛ از نظر امام اینها همه مردودند. اسلامی که امام معرفی میکند، در مقابل همه‌ی اینها است .

پیرو امام، آن کسی که دنباله‌رو امام است، باید مرزبندی داشته باشد؛ هم با اسلام متحجر، هم با اسلام سکولار؛ اسلام ناب را شناسایی کند و دنبال کند. یکی از اصول امام این است . این چیزی نیست که امام یک‌بار گفته باشد؛ در سرتاسر آثار امام، بیانات امام، گسترده است. مراسم بیست‌وششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله ۱۴/۰۳/۱۳۹۴



امام خمینی : باید به اینها گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله - صلی الله علیه وآله - آنقدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند .  
متن کامل وصیتنامه الهی سیاسی حضرت امام خمینی رحمه‌الله

**دوم ؛ اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است؛**

دوم : یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است. اتکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مؤمنین؛ و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند: **وَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ، وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم،** آن کسانی که **«الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوِّءِ**

عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا. «اعتقاد به وعدهی الهی، به صدق وعدهی الهی - که فرموده

است «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ما

است؛ باید به این وعده اعتماد و اتکال کرد. نقطه‌ی مقابل، به

دل خوش گنک‌های دشمنان، مستکبران، قدرتهای جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به‌طور

کامل مشهود است. این اتکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب

این اتکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب میشود که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد.

میشد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام با صراحت صحبت میکرد؛ آنچه را

مورد اعتقاد او بود صریح بیان میکرد، چون اتکاء به خدا داشت، نه اینکه نمیدانست قدرتها بدشان

می‌آید، نه اینکه نمیدانست آنها عصبانی میشوند، میدانست اما به قدرت الهی، به کمک الهی، به

نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث، دچار رودربایستی نشد؛ به یکی از نامه‌ها - امام شاید به دو

نامه از نامه‌های سران مستکبر دنیا یا وابستگان به مستکبر، - که به او نوشته بودند جواب داد، امام

به آن نامه، با صراحت تمام، مطلب را جواب داد که همان وقت در صداوسیما جمهوری اسلامی

پخش شد. البته امام مؤدبانه حرف میزد اما مواضع قاطع و روشن خود را در آن نامه‌ها بیان کرد و

این توکل خود را امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد؛

ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد، به نصرت الهی معتقد شد، و در این راه وارد شد. اینکه امام

به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب میشد که به وعده‌های آنها اعتنائی

نکند. رئیس‌جمهور آمریکا - ریگان، که رئیس‌جمهور مقتدری هم بود - به امام نامه نوشت و پیغام

فرستاد و آدم فرستاد، امام به او اعتنائی نکرد، پاسخی به او نداد و اعتنائی نکرد و وعده‌ای را که او

داده بود، امام به هیچ گرفت.

در یک مورد دیگر، یک وعده‌ای در مورد پایان جنگ تحمیلی، یکی از دولتهای وابسته‌ی به آمریکا

داده بود، بحث صدها میلیارد یا هزار میلیارد در میان بود، امام اعتنائی به آن نکردند، اعتماد

نکردند. ما حالا در قضایای گوناگون جاری خودمان داریم همین معنا را لمس میکنیم، می‌بینیم که

چطور نمیشود به وعده‌ی مستکبرین اعتماد کرد، به حرفهایی که در جلسه‌ی خصوصی می‌زنند

نمیشود اعتماد کرد، این را داریم لمس میکنیم. امام آن را جزو خطوط اصلی کار خود قرار داد، اعتماد به خدا، بی‌اعتمادی به مستکبران. این البته به معنای قطع رابطه‌ی با دنیا نبود، [چون] سران کشورها به مناسبت‌های مختلف برای امام پیام تبریک میفرستادند، امام هم به پیام تبریک آنها جواب میداد. ارتباط این جوری، در حد معمول، مؤدبانه و محترمانه وجود داشت اما هیچ‌گونه اعتمادی به مستکبرین و قلدان و تبعه و دنباله‌روان آنها وجود نداشت.

مراسم بیست‌وششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله ۱۴/۰۳/۱۳۹۴

سوم؛ اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛

این از جمله‌ی خطوط اصلی حرکت امام است. در آن روزها سعی میشد به خاطر یک برداشت نادرست، همه‌ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موكول و وابسته شود؛ امام بارها و بارها هشدار میداد - و این هشدارها در بیانات ایشان به‌طور واضح منعکس است - که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت در مسائل اقتصادی، اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی. این را توجه کنند: امام از اول پشتیبان ارتش بود؛ کسی که مانع از انحلال ارتش در کشور شد، شخص امام بود، با وجود این، نیروی سپاه را به وجود آورد، بعد هم نهاد بسیج را به وجود آورد؛ حرکت نظامی را یک جریان مردمی قرار داد. در مسائل اقتصادی، تکیه‌ی به مردم؛ در مسائل نظامی، تکیه‌ی به مردم؛ در مسائل سازندگی کشور، تکیه‌ی به مردم، که جهاد سازندگی را به راه انداخت؛ در مسائل تبلیغات، تکیه‌ی به مردم؛ و بالاتر از همه مسئله‌ی انتخابات کشور و آراء مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور. در تمام طول این مدت - دوران حاکمیت امام بزرگوار ما ده سال است؛ از این ده سال، هشت سال در این کشور

اعتقاد به مردم، و به معنای حقیقی کلمه احترام برای آراء مردم و افکار مردم و تشخیص مردم قائل بود؛ ممکن بود آن چیزی را که مردم انتخاب میکنند، مورد نظر امام در یک موردی هم نباشد اما در عین حال برای آراء مردم احترام قائل بود، آنها را محترم میشمرد، آنها را معتبر میشمرد،

جنگ بود؛ شهرها بمباران میشد؛ جبهه‌ها مشغول جنگ بودند - که شاید در حدود ده انتخابات در کشور انجام گرفت، انتخابات‌های گوناگون یک روز از تاریخ مقرر خودش عقب نیفتاد؛ در همه‌ی

مراحل، در همه‌ی احوال، در همه‌ی شرایط، امام بزرگوار اصرار داشت که انتخابات در وقت مقرر خود انجام بگیرد. اینکه در بعضی از کشورها معمول است حالت فوق‌العاده اعلام میکنند، امام یک روز حالت فوق‌العاده اعلام نکرد، به انتخابات اهمیت میداد. در روز انتخابات جزو اولین کسانی که پای صندوق رأی حاضر میشد، شخص امام بزرگوار بود؛ اعتقاد به مردم، و به معنای حقیقی کلمه احترام برای آراء مردم و افکار مردم و تشخیص مردم قائل بود؛ ممکن بود آن چیزی را که مردم انتخاب میکنند، مورد نظر امام در یک موردی هم نباشد اما در عین حال برای آراء مردم احترام قائل بود، آنها را محترم میشمرد، آنها را معتبر میشمرد، این هم یکی از چیزها است. امام در مورد مردم به اینها هم اکتفا نکرد، مردم را ولی نعمت مسئولان معرفی کرد؛ مکرر امام ذکر کردند که این مردم ولی نعمت ما هستند؛ مواردی خود را خادم ملت معرفی کرد؛ میگفت: اگر به من خادم ملت بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند؛ این خیلی حرف بزرگی است، نشان‌دهنده‌ی جایگاه برجسته‌ی مردم و افکار مردم و آراء مردم و حضور مردم در نظر امام است؛ مردم هم پاسخ مناسب دادند؛ در صحنه حضور پیدا کردند؛

– آنجایی که انگشت اشاره‌ی او بود، مردم با جان و دل در آنجا حاضر شدند. این متقابل بود؛ امام به مردم اعتماد داشت، مردم به امام اعتماد داشتند؛ امام مردم را دوست داشت، مردم امام را دوست داشتند؛ این رابطه‌ی متقابل، یک امر طبیعی است.

مراسم بیست‌وششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله

میگفت: اگر به من خادم ملت بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند؛ این خیلی حرف بزرگی است، نشان‌دهنده‌ی جایگاه برجسته‌ی مردم و افکار مردم و آراء مردم و حضور مردم در نظر امام است؛

۱۴/۰۳/۱۳۹۴

#### چهارم : طرف‌دار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان

– نکته‌ی چهارم در بُعد مسائل داخلی کشور؛ امام طرف‌دار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد میکرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد میکرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرف‌دار عدالت اجتماعی بود؛ طرف‌داری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است؛

♦ - این یکی از اصول قطعی امام است، همه باید تلاش کنند که فقر را ریشه کن کنند؛ همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند و تا آنجایی که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند.

♦ - از آن طرف به مسئولان کشور هشدار میداد درباره‌ی خوی کاخ‌نشینی - این نکته‌ای که در قرآن هم آمده است: وَ سَكَنتُمْ فِی مَسَاكِنِ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا - (و همه را از خوی کاخ‌نشینی برحذر میداشت، تأکید مکرر میکرد بر اینکه به وفاداری طبقات ضعیف اعتماد کنید؛ این را امام مکرر میگفت که این کوخ‌نشینانند، این فقرایند، این محرومانند که این صحنه‌ها را با وجود محرومیتها پر کرده‌اند، اعتراض هم نمیکنند، در میدانهای خطر هم حاضر میشوند؛

♦ - [اما] آن کسانی که برخورداری‌های بیشتری داشتند، در موارد مختلف اگر مشکلی پیش می‌آمد، اتفاقاً آنها بیشتر ابراز نارضایی میکردند. این وفاداری طبقات متوسط مردم و طبقات محروم مردم، از

نظر امام یک امر برجسته بود و این را تأکید میکرد. بر مصرف درست بیت‌المال تأکید میکرد، بر پرهیز کردن از اسراف تأکید میکرد. این هم یکی از خطوط اساسی است. مسئله‌ی عدالت اجتماعی، طرفداری از محرومان و دوری از خوی اشرافیگری و خوی تجمل‌گرایی و عمل در این جهت.

مراسم بیست‌وششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله ۱۴/۰۳/۱۳۹۴

امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد میکرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد میکرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرفدار عدالت اجتماعی بود؛ طرفداری از مستضعفان، این یکی از اصول قطعی امام است، همه باید تلاش کنند که فقر را ریشه کن کنند؛ همه باید تلاش کنند

♦ - اشرافی‌گری دو عیب دارد؛ عیب دومش از عیب اولش بزرگتر است. عیب اول اشرافی‌گری، اسراف است - اشرافی‌گری حلال را میگوییم؛ یعنی آن چیزی که پولش از راه حلال و بحق به دست آمده - اما عیب دوم بدتر است و آن این است که فرهنگ‌سازی میکند؛

دو عیب اشرافی‌گری :  
- اسراف  
- فرهنگ‌سازی اسراف ،  
که بدتر از اولی است .



یعنی چیزی برای مسابقه دادن همه درست میکند. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت  
۰۵/۰۶/۱۳۸۰

**پنجم: امام صریحاً در جبهه‌ی مخالف قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت،  
هیچ ملاحظه‌ای نمیکرد.**

- پنجم؛ نکته‌ی پنجم در بُعد خارجی [است]. امام صریحاً در  
جبهه‌ی مخالف قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ  
ملاحظه‌ای نمیکرد. این است که امام در مقابله‌ی میان قلدران و  
مستکبران و قدرتهای زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه‌ی مظلومان  
بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی‌تقیه این را بیان میکرد. طرف‌دار  
جدی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر‌آشتی نداشت. واژه‌ی  
«شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود.  
امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی  
شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که

امام تا روز آخر، نسبت  
به آمریکا همین احساس  
را داشت؛ در مقابل از  
اول انقلاب کسانی بودند  
که توجه نمیکردند که  
آمریکا عقبه‌ی  
تغذیه‌کننده‌ی رژیم  
طاغوتی است.

باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز  
آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت؛ عنوان شیطان بزرگ را، هم به کار میبرد، هم از بن  
دندان اعتقاد به این معنا داشت.

- در مقابل از اول انقلاب کسانی بودند که توجه نمیکردند که آمریکا عقبه‌ی تغذیه‌کننده‌ی رژیم  
طاغوتی است که به‌وسیله‌ی ملت ایران برافتاد. ملت ایران رژیم طاغوت را ساقط کردند، اما کسانی  
بودند آن روز که با حضور آمریکایی‌ها، با فعالیت آنها - حتی فعالیت برخی از نهادهای آمریکایی -  
در داخل کشور موافق بودند! اختلاف عمده‌ی دولت موقت با امام بزرگوار سر این قضیه بود؛ ما از  
نزدیک میدیدیم. آنها توجه نمیکردند که آمریکا تغذیه‌کننده‌ی رژیم طاغوت بود؛ این رژیم حالا  
برافتاده است اما آن دستگاه تغذیه‌کننده هنوز باقی است، فعال است، اگر به او میدان داده شود،  
مجال داده شود، دوباره مشغول خواهد شد و ضربه خواهد زد و نقاط ضعف را جستجو خواهد کرد و

از آن نقاط ضعف وارد خواهد شد؛ این را توجه نمی‌کردند. امام این را میدید، لذا موضع‌گیری امام در زمینه‌ی مسئله‌ی لانه‌ی جاسوسی ناشی از همین نگاه و همین دیدگاه بود.

♦ در دنیا کسانی به این نقطه توجه نکردند و ضربه‌اش را خوردند که حالا نمی‌خواهیم کسانی را شماتت و ملامت کنیم؛ اما این ضربه‌ای است که بعضی خوردند، به‌خاطر اینکه رژیم‌های مرتجع و مستکبر را ساقط کردند، [ولی] عقبه‌ی آنها را نادیده گرفتند. امام این عقبه را از روز اول دید، با آن مقابله کرد؛ لذا تا آخر، امام علیه آمریکا و دستگاه سیاسی و امنیتی آمریکا موضع داشت.

♦ متقابلاً امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند، با اینکه ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم - دولت‌ها معمولاً در این مواقع که با یک طرف رفتاری دارند، با طرف دیگر می‌سازند - امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت، که این موضع قاطع را حتی بعضی از دولت‌هایی که گرایش غربی داشتند هم نگرفتند اما امام بزرگوار بدون هیچ ملاحظه‌ای از ملت افغانستان حمایت کرد، از ملت لبنان حمایت کرد، فلسطینی‌ها را با کمال صمیمیت مورد حمایت خودش قرار داد. این منطق امام است در مورد مقابله‌ی با استکبار. با این منطق امروز میشود قضایای دنیا را شناسایی کرد، موضع درست را میشود فهمید.

♦ امروز ما به همان اندازه‌ای که با رفتار وحشیانه و ظالمانه‌ی جریان داعش در عراق و در سوریه مخالفیم، به همان اندازه با رفتار ظالمانه‌ی پلیس فدرال آمریکا در داخل کشورشان مخالفیم - اینها هر دو مثل هم هستند - به همان اندازه با محاصره‌ی غزه که محاصره‌ی ظالمانه‌ای است علیه مردم مظلوم غزه مخالفیم، به همان اندازه با

در دنیا کسانی به این نقطه یعنی شیطان بودن آمریکا و حمایت آمریکا از دیکتاتور‌ها توجه نکردند و ضربه‌اش را خوردند.

آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند، با اینکه ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم - دولت‌ها معمولاً در این مواقع که با یک طرف رفتاری دارند، با طرف دیگر می‌سازند - امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت، که این موضع قاطع را حتی بعضی از دولت‌هایی که گرایش غربی داشتند هم نگرفتند

بمباران مردم مظلوم و بی‌پناه یمن مخالفیم، به همان اندازه با سخت‌گیری‌هایی که علیه مردم بحرین به‌وجود می‌آید مخالفیم، به همان اندازه با حمله‌ی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به مردم در افغانستان و در پاکستان مخالفیم. این منطق، منطق امام است. هر جا ظلم هست دو طرف وجود دارد: ظالم و مظلوم؛ ما طرف‌دار مظلومیم، مخالف با ظالمیم؛ این موضع‌گیری‌ای است که امام بصراحت انجام میداد و این یکی از خطوط اصلی است.

• امروز هم به همین دلیل مسئله‌ی فلسطین برای ما یک مسئله‌ی اصلی است؛ این را همه بدانند. مسئله‌ی فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد. مسئله‌ی فلسطین، عرصه‌ی یک مجاهدتِ واجب و لازم اسلامی است، هیچ حادثه‌ای ما را از مسئله‌ی فلسطین جدا نمیکند. ممکن است کسانی در صحنه‌ی فلسطین باشند که به وظایفشان عمل نکنند، حساب آنها جدا است اما مردم فلسطین، ملت فلسطین، مجاهدان فلسطینی مورد تأیید و حمایت ما هستند. مراسم بیست‌وششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله ۱۴/۰۳/۱۳۹۴

.....

• امام بزرگوار فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛ این «شیطان بزرگ» خیلی حرف پرمغزی است. رئیس همه‌ی شیطانهای عالم، ابلیس است؛ اما ابلیس بنا به تصریح قرآن، تنها کاری که میتواند بکند این است که انسانها را اغواء میکند؛ بیشتر از اغواء، کاری نمیتواند بکند؛ انسانها را اغواء میکند، فریب میدهد، وسوسه میکند؛ اما آمریکا، هم اغواء میکند، هم کشتار میکند، هم تحریم میکند، هم فریب میدهد، هم ریاکاری میکند؛ پرچم حقوق بشر را بلند میکند، ادعای طرف‌داری از حقوق بشر میکند [اما] هر چند روز یک بار در خیابانهای شهرهای آمریکا یک بی‌گناهی، یک بی‌سلاحی به دست پلیس آمریکا به خاک و خون می‌غلتد؛ غیر از بقیه‌ی جنایات و فجایعشان. این هم رفتارشان در ایران در دوران رژیم طاغوت و جنگ آفرینی‌هایشان، جنگ‌افروزی‌هایشان، به راه انداختن جریانهای جنگ‌افروز از قبیل همینهایی که حالا در عراق و سوریه و بقیه‌ی جاها

اما ابلیس بنا به تصریح قرآن، تنها کاری که میتواند بکند این است که انسانها را اغواء میکند؛ بیشتر از اغواء، کاری نمیتواند بکند؛ اما آمریکا، هم اغواء میکند، هم کشتار میکند، هم تحریم میکند، هم فریب میدهد، هم ریاکاری میکند؛

مشغول خرابکاری هستند؛ اینها کارهای آمریکا است. حالا بعضی‌ها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات - که از ابلیس بدتر است - بزک کنند و به شکل فرشته وانمود کنند. چرا؟ دین به کنار، انقلابیگری به کنار؛ وفاداری به مصالح کشور چه میشود؟ عقل چه میشود؟ کدام عقلی و کدام وجدانی اجازه میدهد که انسان قدرتی مثل قدرت آمریکا را به‌عنوان دوست، به‌عنوان مورد اعتماد، به‌عنوان فرشته‌ی نجات انتخاب بکند؟ این [گونه] هستند؛ حقیقت امر این است. بله، خودشان را می‌آرایند؛ با ظاهر اتوکشیده، با کراوات، با ادکلن، با ظواهر بظاهر چشمگیر، خودشان را در چشم افراد ساده‌لوح جور دیگری جلوه میدهند؛ حقیقت رژیم آمریکا اینها است. این در مورد ما است؛ در مورد کشورهای دیگر هم همین جور است. ملت بزرگ ایران این شیطان بزرگ را از کشور بیرون کرد؛ نباید بگذاریم دوباره برگردد؛ نباید بگذاریم از در رفت، از پنجره برگردد؛ نباید اجازه بدهیم نفوذ پیدا کند؛ دشمنی اینها تمام نمیشود. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۸/۰۶/۱۳۹۴

### ششم : از خطوط اصلی تفکر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، ردّ سلطه‌پذیری [است]؛

- ششم ؛ یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، ردّ سلطه‌پذیری [است]؛ این هم یکی از سرفصل‌های مهم است. من سال گذشته در همین جلسه به مستمعین آن سال عرض کردم، استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت؛ این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریمهای مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد! این اصلاً قابل فهم نیست، قابل قبول نیست. متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی میکنند برای نفی استقلال کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا میکنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلم‌زنی میکنند و حرف میزنند؛ این حرفها

استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت؛ بسیاری از فعالیت‌هایی که علیه کشور ما و ملت ما کرده است برای این بود که خدشه‌ی در استقلال به‌وجود بیاورد؛ چه تحریم، چه تهدید، اینها استقلال را هدف گرفته‌اند.

هم در بین جامعه پخش میشود. کسانی این جوری حرکت میکنند. این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است. امام معتقد به استقلال کشور بود، معتقد به ردّ سلطه‌ی [بر] کشور بود. دشمن ما در طول این سالها، بسیاری از فعالیت‌هایی که علیه کشور ما و ملت ما کرده است برای این بود که خدشهی در استقلال به وجود بیاورد؛ چه تحریم، چه تهدید، اینها استقلال را هدف گرفته‌اند. باید همه هوشیار باشند، بدانند که هدفهای دشمن چیست. این هم یکی از خطوط اصلی است.

مراسم بیست‌وششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله ۱۴/۰۳/۱۳۹۴

## هفتم : مسئله‌ی وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن؛

— هفتم : یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام و خطّ امام - این مطلب آخری است که عرض میکنم - مسئله‌ی وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن؛ چه تفرقه‌ی بر اساس مذهب، شیعه و سنی؛ چه تفرقه‌ی بر اساس قومیتها، فارس و عرب و ترک و کرد و لر و بلوچ و امثال اینها. تفرقه‌افکنی یکی از سیاستهای قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اول بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه‌ی کم‌نظیر داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را هم باید دنبال بکنیم. امروز شما می‌بینید در دنیا مسئله‌ی تفرقه‌ی دنیای اسلام یکی از سیاستهای اصلی استکبار است .

آمریکایی‌ها کارشان به آنجا رسیده است که حالا دیگر اسم شیعه و سنی می‌آورند؛ اسلام شیعه، اسلام سنی؛ از یکی حمایت میکنند، به یکی حمله میکنند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران از اول نسبت به این مسئله‌ی اختلاف مذهبی یک نگاه کاملاً یکسانی داشت. ما با

چه تفرقه‌ی بر اساس مذهب، شیعه و سنی؛ چه تفرقه‌ی بر اساس قومیتها، فارس و عرب و ترک و کرد و لر و بلوچ و امثال اینها. تفرقه‌افکنی یکی از سیاستهای قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اول بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه‌ی کم‌نظیر داشت.

برادران فلسطینی‌مان که سنی‌اند همان جور عمل کردیم که با برادران حزب‌الله لبنان که شیعه

هستند عمل کردیم. همه جا یک جور عمل کردیم. نگاه امام بزرگوار ما در داخل کشور این بود، در دنیای اسلام نگاه جمهوری اسلامی نگاه امت‌ساز است، امت اسلامی مورد نظر است. اینکه نوکرهای دست دوم آمریکا می‌آیند مسئله‌ی هلال شیعی را مطرح میکنند، این نشان‌دهنده‌ی سیاستهای تفرقه‌افکن است. اینکه آمریکایی‌ها علی‌رغم تبلیغات فراوان، نسبت به همین گروه‌های تفرقه‌افکن تکفیری در عراق و سوریه مداخلات میکنند - احیاناً در مواردی هم به آنها به صورت بی‌خبر و مخفیانه کمک میکنند، عواملشان که به صورت صریح از آنها حمایت میکنند - این نشان‌دهنده‌ی این است که نقش تفرقه‌افکنی از نظر دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان جمهوری اسلامی نقش بسیار برجسته‌ای است. این را همه توجه کنند؛ هم شیعه توجه کند، هم

سنّی توجه کند؛ بازی دشمن را نخورند. آن تسنّی که آمریکا از آن حمایت کند و آن تشیعی که از مرکز لندن به دنیا صادر بشود، اینها مثل هم هستند؛ هر دوی آنها برادران شیطانند، هر دوی آنها عوامل آمریکا و غرب و استکبارند.

مراسم بیست‌وششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله ۱۴/۰۳/۱۳۹۴

.....

آن تسنّی که آمریکا از آن حمایت کند و آن تشیعی که از مرکز لندن به دنیا صادر بشود، اینها مثل هم هستند؛ هر دوی آنها برادران شیطانند، هر دوی آنها عوامل آمریکا و غرب و استکبارند.